

یک اکوسیستم استارت‌آپی از وجوه مختلفی ویژگی‌های یک جامعه را دارد. نیاز به رهبری از جمله این ویژگی‌هاست. رهبری مهم‌ترین و حساس‌ترین نیاز اکوسیستم است. توجه به این جایگاه وقتی اهمیت خود را نشان می‌دهد که الزامات آن مورد بررسی قرار بگیرد. ثبات و شناخت کافی الزامات اساسی این مقام هستند.

این عنوان مدعیان زیادی دارد و معمولاً ساختارهای دولتی و سرمایه‌گذاران عمده، خود را در جایگاه رهبری اکوسیستم تصور می‌کنند و می‌کوشند آن را متناسب با خواسته خود هدایت کنند. در اکوسیستم ایران عملکرد دولت‌ها شیه‌های پررنگی داشته است. به همین سبب رابطه دولت و رهبری اکوسیستم را در اولویت قرار داده و بررسی می‌کنیم. به دلیل گستردگی مطالب، در این مقاله صرفاً برخی عواقب حضور دولت در نقش رهبری را بررسی می‌کنیم. در مقالات آتی به بررسی خاص مورد ایران خواهیم پرداخت.

دولت‌ها برای دوره‌هایی ۴ یا ۸ ساله زمام امور را در اختیار دارند. آن‌ها که سر بزرگی از این بازه زمانی را درگیر تغییر و تحولات خاص خودشان هستند. در این مدت و در کش و قوس بروکراسی دولتی، اکوسیستم باید روزهای زیادی را در انتظار بازسازی ساختار رهبری، جانشینی افراد و ابلاغ سیاست‌های جدید بماند. امری که به هیچ وجه با پویایی خاص و سرعت بالای تحول در اکوسیستم هم‌خوانی ندارد.

رهبر دولتی یک فرد یا شخصیت حقیقی نیست بلکه ماهیتی حقوقی دارد، یعنی سازمان خاصی برای خودش نقش رهبری تعریف می‌کند. اما این سازمان ذیل یک نظام سلسله‌مراتبی به نظرات و سلايق فردی وابسته خواهد بود، فردی که حضور بلند مدتش در مقام رهبری به هیچ وجه تضمین شده نیست. این امر عدم قطعیتی فراتر از تغییر سیاست‌های دولتی را بر اکوسیستم تحمیل می‌کند. عدم قطعیتی که رهبری اکوسیستم را در وضعیتی بی‌ثبات قرار می‌دهد.

رهبری دولت مخاطرات دیگری هم به دنبال دارد. تغییر رویکردهای اقتصادی دولت‌ها متناسب با نیازهای کوتاه مدت، امری شایع است. این تغییر رویکردها در تضاد با چرخه بلندمدت شکوفایی اکوسیستم استارت‌آپی است. در واقع حضور دولت در جایگاه رهبری باعث می‌شود اثر این تصمیم‌گیری با شدت بیشتری بر اکوسیستم کارآفرینی تاثیر بگذارد و آسیب پذیری آن را افزایش دهد.

برخی دولت‌ها عملاً بنگاه‌های بزرگ اقتصادی هستند که مجموعه‌ای از هلدینگ‌ها و شرکت‌های بزرگ تجاری را به طور مستقیم یا غیرمستقیم مدیریت می‌کنند. پررنگ شدن نقش چنین دولت‌هایی در اکوسیستم، خواه ناخواه بستر ورود مجموعه‌های وابسته به دولت را فراهم می‌کند. هر چند بر خود این حضور نمی‌توان خرده‌ای گرفت و در مواردی هم می‌توان برای آن آثار مثبتی برشمرد، آنچه موجب نگرانی است امتیازاتی است که شرکت‌های دولتی نسبت به دیگر اعضای اکوسیستم دارند. امتیازات خاصی که می‌تواند عرصه را برای فعالیت دیگر اعضا تنگ نماید. این در حالی است که مشارکت همه جانبه از اصول پویایی و شکوفایی جامعه‌های استارت‌آپی است.

در صورتی که نگاه احزاب و گروه‌های سیاسی به بعد اقتصادی دولت به شکل ابزار کسب انتفاع اقتصادی باشد، بدترین شرایط ممکن رقم می‌خورد. در چنین شرایطی اکوسیستم رهبری خواهد داشت که خود را نه در مقام حمایت، بلکه در مقام رقابت با اعضای اکوسیستم می‌بیند. نگاهی که باعث پژمردگی اکوسیستم خواهد شد.

